

غزل شماره ۵۹

دارم امید عاطفتی از جناب دوست
کردم بنیاتی و امیدم به عفو اوست

دانم که بگذرد ز سرِ جرمِ من که او
گرچه پریش است ولیکن فرشته خوست

چندان گریستم که هر کس که برگذشت
در اشکِ ما چو دید روان گفت کاین چه جوست؟

بیچ است آن دمان و نینم از او نشان
موی است آن میان و ندانم که آن چه پوست

دارم عجب ز نقش خیالش که چون ز رفت
از دیده ام که دم به دمش کار شُست و شوست

بی گفت و گوی زلف تو دل را همی کشد
بازلف دلکش تو که را روی گفت و گوست؟

عمیست تا ز زلف تو بوی شنیده ام
زان بوی در مشام دل من هنوز بوست

حافظ بد است حال پریشان تو، ولی
بر بوی زلف یار پریشانیت نکوست

تفسیر فال

دوستی که در لحظات سخت و دشوار به تو یاری می‌رساند، همواره باید مورد احترام و توجه قرار گیرد؛ بنابراین، هرگز دست او را پس نزن و از حمایت‌هایش بهره‌مند شو. این دوست با قلبی بزرگ و نیتی خیرخواهانه به خاطر اعمالی که انجام داده‌ای، تو را می‌بخشد و این امر نشان‌دهنده عمق دوستی حقیقی است. به جای پنهان کردن خود از او یا دور شدن از کمک‌هایش، بهتر است با او ارتباط برقرار کنی و احساسات را با صداقت بیان کنی. مسلماً سری در کار هست که تنها با گفتگو، تبادل نظر و مشورت صحیح قابل حل خواهد بود. اطمینان داشته باش که پس از این گفتگو پریشانی‌هایت برطرف شده و حالت روحیات به طرز چشمگیری بهتر خواهد شد؛ زیرا در بسیاری از موارد، صحبت کردن درباره مشکلات می‌تواند آرامش خاطر را برای فرد به ارمغان آورد و زمینه‌ساز ترمیم روابط شود.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا